

تمه فهرست داستانهای جلد اول از کتاب جارجیا

۲۳۷ ذکر کوتی ساختن پرکیشان در بندر هوگلی و تهیه تسخیر
آن نمودن با بعضی تنبیهات

۲۳۸ آگاه شدن شاهجهان از اندیشه پرکیشان در تسخیر
هوگلی و دستاوردن ایشانرا

۲۳۹ انتقال جزیره منبی از پرکیشان بدوم چارلس پادشاه
انگریزان و کشیدن او کمپنی

۲۴۰ ذکر اجرای شغل تجارت انگریزان در بندر هوگلی با بعضی
وقایع متفرقه

۲۴۱ رسیدن هر دو نامه در انگلند با رباب کمپنی و روانه شدن
جہازات جنگ

۲۴۲ نامه فرستادن اصحاب کمپنی بچوب چانک و اعلام نمودن
اورا از فرستادن لشکر

۲۴۳ رسیدن جہازات و لشکر بمیدر بیجلی و اگر فرستادن
بچوب چانک و طلبیدن او لشکر را بندر هوگلی و متعاقب
کردن با سپاه نکال و مفر یافتن

۲۵۱ مصالحت نمودن نواب بندر هوگلی با چوب چانک و روانه
نمودن چوب چانک جمیع امتش و امتعه کوتی بمیدر
بیجلی در جہازات و لشکر فرستادن جعفر خان دوم باره

۲۵۲ توجه چوب چانک از بندر هوگلی بطرف بندر میما و تعاقب

تمه فهرست داستانهای جلد اول از کتاب جارجنا

صفحه	موضوع
	کردن شکر بنگاله
۲۵۵	اگاه شدن اورنگ زیب از ماجرای ناظم بنگاله با انگریزان و فرمان فرستادن بجهت خوشنود نمودن ایشان و تکلیف کردن ناظم جوب چانک با مراجعت بهوگلی
۲۵۸	رفتن جوب چانک با ولیبار و از آنجا بسوتاننی و غارت کردن اموال کیسه جعفر خان بست پیمان و انعطاف جوب چانک از سوتاننی بطرف بلاسور
۲۶۱	مقرر شدن کیستان هیت از مدرس کبوتی داری بنگاله و رفتن او به بلاسور
۲۶۳	مراجعت فرستادگان جوب چانک از پیش ناظم بنگاله به بلاسور با تجدید عهد شروط بعضی شروط و قبول نمودن کیستان هیت علی الظاهر و در باطن نزدوغا باختن و کاری ساختن
۲۶۵	نامه نوشتن جعفر خان کبوتی دار مدرس طلب کیستان هیت و فرستادن او جوب چانک را
۲۶۷	اجتماع نمودن مردم پیشه و در سوتاننی در قمشیدن جوب چانک در معاملات و تلاشش کردن حکومت سوتاننی و قلع ساختن در کلک از ناظم و مایوس ماندن
۲۷۰	بغی و زبیدن رای بردوان باناظم بنگاله و اختلال

تمه فهرست داستانهای جلد اول از کتاب جاجنامه

صفحه	یافتن حال ناسم
۲۷۳	اعانت خواستن هر سه کوفی دار از ناظم ننگاله بجهت محافظت اموال و حصول یاس و ناامیدی بسبب اختلال و فرصت یافتن بساختن قلعه و حصار کوه شمال
۲۷۵	اگر ای یافتن او رنگزب از اختلال ننگاله و فرستادن عظیم ایشان و له محمد معظم نیره خود را بجهت انتظام بتفویض سه صوبه ننگ و بهار و او دیکه از جمله پنج صوبه متصرفه
۲۷۶	خواستش نمودن جوب جانک زمین داری و حکومت کلکته و سوتانی و کوبند پور از شاهزاده عظیم ایشان و رسیدن بعظمت ایشان
۲۸۰	معمور شدن بندر کلکته بحسن اهتمام جوب جانک حوسه بردن نواب هوگلی و بزه کردن کمان سعایت در انهدام بنای رفعت او پیش عظیم ایشان و رسیدن تیر او بر ایشان
۲۸۲	مخارش شدن کوتیدار کلکته حسب الحکم کمپنی و وفات او رنگ زیب و مجادله اولادش در سلطنت
۲۸۵	مطلق العنان شدن جعفر خان ناظم سابق ننگاله از رفتن فرخ سیر و دراز کردن دست تقاول بر رعایا و سیر

تمه فهرست دستاویزهای جلد اول از کتاب جامع نامه	
صفحه هجرت کوییدار کلکته و استیدان و استرخامس میر هجر	
در باب ایلی فرستادن پیش فرخ سیر از ارباب کپنی	
۲۸۷ روانه شدن فرستادگان بدیلی و گزارش سر بادامی و نامه نوشتن او	
۲۸۹ عداوت ورزیدن امیرالامرا حسینعلی خان علی الزعم خواجه حاکم خان دوران با فرستادگان و پمارشدن پادشاه و شفا یافتن از حکیم انگریز	
۲۹۲ شرح ارقام متمتبیات و مرادات جان سر جان و استغن سن محتوی برنه رقم	
۲۹۳ خواهش دومیم خواهش سومیم	
۲۹۴ خواهش چهارم خواهش پنجم خواهش ششم	
۲۹۵ خواهش هفتم	
۲۹۶ خواهش هشتم خواهش نهم	
۲۹۷ گذراندن خواهشنامه فرستادگان در اکثر باطن بی شکاه حضرت شاه	
۲۹۹ فرود رفتن خورشید تجارت کوتی دار بندر سورت بمغرب ظلم حاکم آنجا و بر آمدن آفتاب کلام و امید فرستادگان از شرق و بلی	
۳۰۲ ذکر بنای کوتی انگریزان در پینا پین یعنی مدرس	

تمت فهرست داستانهای جلد اول از کتاب جارجینامه

صفحه	موضوع
	بجز این تمام سزا و لیم
۳۰۴	وقوع مجادله در یورپ فیما بین پادشاه انگریز و فرانسوی و آمدن جهازات جنگی فرانسویین با تراجیع پوت التجار انگریزان در هند و تصرف آوردن مدرس
۳۰۷	در شکایت از جنای روزگار غدارنا پایدار و انتقال امین الملک گورنر دکن بخواججهت ملک خفتار
۳۰۸	در ذکر یکی از اعمال حسنه و افعال مستحبه امین الملک گورنر جو نا شن دکن که حسب الخواشش عزیزی از فرقه انگریزیه مستلوم و مطمح گردانید تا در روزگار نا پایدار پادگار بسازد و هر که بخواند بر روح و روان عامل این عمل خیر رود و آفرین بسیار
۳۱۳	در بیان برخی از احوال خود بعد و نجات امین الملک و موجب اتمام این کتاب
۳۱۷	امان خواستن کوفی دار مدرس از سردار فرانسویین تقبل مبلغی خواسته مشروط بانکه شهر و قلعه مدرس خراب نماید و پذیرفتن او و متصرف شدن کوفی و شهر را
۳۱۹	پیغام فرستادن نواب انور الدین خان ناظم کشور ارکان و چسپناپتن نزد سردار فو لچری دو پلکس و معالفت نمودن اورا از مجادله با انگریزان و فریب دادن دو پلکس ناظم را
۳۲۱	ترغیب نمودن دو پلکس بردنی را بتخریب مدرس و قبول

تمه فهرست دستاویزهای جلد اول از کتاب جارجنا مه	
صفحه	نگردن او بپاس عهد و میثاق و حدوث طوفان و تقره جہازات از قوت طالع انگریزان و حسن اتفاق
۳۲۳	رفتن بر دنی نسبت فوج پوری و طلب نمودن انورالدین خان مدرس از دوپاس و تعطل او در ایفای وعده و شکر فرستادن انورالدین خان بسرداری محفوظ خان بدرک
۳۲۵	مصالحیت طلبیدن سردار مدرس از محفوظ خان و پذیرفتن او و مقید ساختن فرستادگان را
۳۲۷	رسیدن محفوظ خان قریب بدرک و صفت آلات و آداب حرب و ادوات و اتواب ضرب او
۳۲۹	مقابلہ نمودن فرانسس با محفوظ خان و ہزیمت یافتن محفوظ خان و گریختن
۳۳۱	سنگریستن محفوظ خان در سننومہ و ستعدتستن در کنار رودخانه بالشکر و توپخانه و ورود عسکران فوج پوری و ہزیمت شدن ان سپہ سالار جری بیک محل سپاہ مخالف
۳۳۴	فرار نمودن محفوظ خان و التجا بردن بسنگر و شکست یافتن و گریختن بارکات
۳۳۷	فرستادن فرانسس کوئی دار مدرس را با حصی از بزرگان انگریز بوجو پوری و گریختن تجار انگریز با حصی

تمه فهرست داستانهای جلد اول از کتاب جارجنامه

ص ۳۳۸	از اهل سپاه از مدرس نقلیه موسوم به بسنت داود
۳۳۸	مد و خواستن سردار قلعه بسنت داود از انورالدین خان و قبول نمودن شروط بعضی شروط
۳۴۰	طلب داشتن دو پلکس پرادی را بنوعی پیری و روان شدن او از مدرس و زحمت کشیدن از سپاه محفوظ خان در اشنای راه و رسیدن بمقصد گاه
۳۴۳	اجتماع سپاه فرانسیس در قلعه آرتین کت پست وروانه شدن بغرم تنجیر حصار بسنت داود و استناد و تعداد شکرانگزان
۳۴۶	عبور عسکر ایشبار فرانسیر از رود پانار و متصرف گشتن بانج قلعه دار بسنت داود و تقلیل بیگار
۳۴۷	ورود شکرانورالدین خان قریب بیاب و گریختن فرانسیس قرین صد حسرت و داغ و تعاقب نمودن سپاه ارکات و ملحق شدن جنود حصار بسنت داود و مراجعت به بیجاصلی از جنین و بدولی
۳۵۰	مصالحت خواستن دو پلکس از انورالدین خان و روان داشتن سپاه بطرف گد لور
۳۵۲	استماع نمودن انورالدین خان و محفوظ خان از مصالحت و شکر و ستادن دو پلکس تنجیر و محروم شدن ایشان

متمم فرست استانیهای جلد اول از کتاب جاجینامه

۳۵۵ ورود چهارات جنگی فرانسیس بندر فوچری و فرستادن
پیغام ترس آمیز بانورالدین خان و قطع نمودن او داد و اعانت
از گروه انگریزان

۳۵۵ روانه نمودن دو پلکس چهارات را بطرف بندر گووه و
فرستادن لشکر مشیر حصار سنت داود و محاربه نمودن
سپاه انگریزی بکنار پاررود و تصرف آوردن
مخالفت دفعه ثانی باغ نمودار شدن سنگار چهارات
انگریزی و فرار نمودن او

۳۵۸ فرود آمدن لشکر ارشستی بکناره و رسیدن افواج از مینی
و طلچری و انگلند بدو حصار و باره و سوختن یک کشتی
فرانسیس

۳۵۹ معین شدن میجر لانس در انگلند بجهت سالاری کل افواج
انگریزی در هندوستان و ورود او در سنت داود و
ظهور خدعه دشمن در لشکر و سپاه و سیاست رسیدن
آنها بقدر تقصیر و انداز بگناه

۳۶۲ روانه شدن چهارات جنگی فرانسیس از جزیره ترس
بسمت مدرس و مقابله نمودن آژمرل کریفن بعینم
مجادله و معاودت او بدون محاربه و مجادله

۳۶۴ لشکر فرستادن دو پلکس مشیر که لور و شکست سپاه و

تمت فهرست داستانهای جلد اول از کتاب بار چن نام

صفحه	و بر گشتن بر در سیاه
۳۶۶	آگهی یافتن دو پلکس از روانه شدن چهار تاجگی از انگلند بطرف سنت داود و وقایع در اثنای راه
۳۶۹	روان شدن آژمرل بسکا و ن بطرف فو لپوری و مرستانان میجر لانس را بتیجیر قلعه ارین کپسنگ و شکست خوردن و گرفتار شدن و رسیدن آژمرل بسکا و ن بفو لپوری و آماده ساختن سنگر و جنگ آمدن پراوی کشته شدن او بناکایم
۳۷۱	پیش بردن انگریزی سپاه سنگر و ساختن ددمه و شروع جنگ توپ از طرفین و عاجز شدن انگریزان از حد و شپاری در باران و وقوع باران
۳۷۴	مراجعت کردن انگریزان از فو لپوری و رسیدن سنت داود و موقوف شدن مجادله
۳۷۵	وقوع مصالحه و نیامین پادشاه انگریز و فرانسویس و مسترد شدن مدرس بانگریزیه و مراجعت آژمرل بسکا و ن بانگلند از هندوستان
۳۷۸	رزیدن مظهر جنگ بنیره نواب نظام الملک اصمغیاه باناناهو بیس نواب ناصر جنگ نظام الدوله و لشکر کشیدن بارکات تبرغیب دوست حسین خان ارکانی معروف

تمت فهرست داستانهای جلد اول از کتاب حاجت نامه

صفحه بچند اوامد سپاه فرانسیس و مقابل شدن انورالدین خان و کشته شدن او و روانه شدن ناصر جنگ بمحاربه مظفر جنگ و استمداد نمودن بعساکر انگریزی

۳۸۰ تسویه صفوف هر دو لشکر و معام فرستادن و قبول سردار فرانسیس بمیر لانس و جواب دادن او و وقوع محاربه و کشته فوج فرانسیس و فرار نمودن چند او شکست یافتن مظفر جنگ

۳۸۳ آگاه شدن مظفر جنگ از رفتن فرانسیس و چند ازمیدان پیکار و خستیا نمودن نما فرار از غایت تشویش واضطراب و ممنوع گشتن باشعا بمتران سپاه آنچه کار و التجا بردن بافضال خال سردار پا خدعه و استیال و گرفتار و مجبوس شدن آن پرشته اقبال

۳۸۶ خواش نمودن میر لانس از نواب ناصر جنگ مجددا فرمان قلیل منسبیکه محمد علیخان بمسئله انگریزها در بخشید بود و بجهت حصول نه پوستن و مراجعت بمیر لانس نسبت او و

۳۸۸ رفتن نواب ناصر جنگ بارکات و غارت فرمودن پوت فرانسس در مهلی بندر و تصرف در آوردن فرانسیس مهلی بندر و روده تریوادی و معاونت طلبیدن ناصر جنگ و محمد علی خان انگریز را و پوستن کپتان کپ محمد علی خان

تمت فهرست داستانهای جلد اول از کتاب چهارچشمه

صفحه	موضوع
	رفتن شیخ تر بوادی
۳۹۱	مقاتله محمد علی خان کپستان کپ با فرانسویس و مراد نمودن کپستان کپ با زرودی از محمد علیچین
۳۹۲	ورود فرقه بلبلد نریه بند و مسخر نمودن بعضی اهل منصرفه پرنکیشان بهار به
۳۹۳	ورود فرقه فرانسویه به مالک هندوستان کویته ساختن در بندرسورت
۳۹۴	آمدن گروه دینارک بعزم تجارت بند و ورود ایشان بطرف آنجور و ساختن قلعه و شهر
۳۹۵	ختم تمام کلام بعون و عنایت ملکیت علام

تمام شد فهرست جلد
اول از کتاب چهارچشمه

Mahammad Ali Khán and the English attack the French. Captain Cope leaves Muhammad Ali Khán while in engagement, on account of some difference between them.	391
Arrival of the Dutch in India and of their taking possession of some place from the Portuguese.	394
Arrival of the French in other quarters of India. They build a Factory at Surat.	397
Arrival of the Danes in India as Merchants. They land at Tanjur, and build a City and Fort there.	398
Acknowledgments on the conclusion of the First Volume.	399

- Departure of French Men-of-war from Mauritius towards Madras. On their perceiving Admiral Griffin's fleet, they take a different course. 362
- Dupleix sends an army to conquer Kadalur, but retreats defeated. 364
- Dupleix becomes acquainted with the departure of some Men-of-war from England towards Saint David. The narration of their Voyage. 366
- Departure of Admiral Boscawen to Fulcheri. Major Lawrence sent to conquer the Fort of Ariankupan and defeated. Approach of Admiral Boscawen to Fulcheri. Paradi fights with the Admiral, and is killed. The English army advances to the trenches and erects a battery. The battle recommences, and the English defeated. 369
- Retreat of the English from Fulcheri, and of their arrival at Fort Saint David. 374
- Peace between England and France. Madras restored to the English. Return of Admiral Boscawen to England. 375
- Muzafarjang rebels against his uncle Nawab Nasir Jang. Nizam-ud-Daulah takes an army towards Arcot by the advice of Dost Hushun Khan Arcotti, *alias* Chanda. Assistance rendered by the French. His attacking Anvaraddin Khan, who is killed. Nasirjang proceeds to attack Muzafarjang, and the English army assists him. 378
- The French and the English meet on the field. Doetool the French Chief, sends a message to Major Lawrence, and receives his answer. Battle commences, and the French defeated. The flight of Chanda. Muzafarjang is also defeated. 380
- Muzafarjang becomes acquainted with the flight of Chanda and the French, from the field of battle, and requests protection from his uncle, who under a fictitious promise imprisons him. 383
- Major Lawrence demands from Nawab Nasirjang another order regarding a small spot of ground which Mahammad Ali Khan presented to the Honorable Company, and which was not conceded to them. Major Lawrence returns to Saint David. 387
- Nawab Nasirjang proceeds to Arcot, and plunders the houses of the French at Machlibandar. The French take possession of Machlibandar, and Tariwadi. Nasirjang and Mahammad Ali Khan request aid from the English. Captain Cope meets Muhammad Ali Khan and despatches a force to retake Tariwadi. 388

An Engagement between the French and Mahfuz Khán.	
The latter defeated and retreats.	329
Mahfuz Khán encamps his army at St. Thomas in the Channel of a River. Arrival of the French Army from Fulcherí against Mahfuz Khán, who makes his retreat.	338
Defeat of Mahfuz Khán at St. Thomas, and his flight from thence to Arcot	334
The French Factor of Madras sends some Englishmen with the English Factor to Fulcherí under custody. Escape of several English Merchants, in company with several Soldiers from Madras, to Fort Saint David	337
The Chief of Fort Saint David requests assistance from Anvaraddín, who affords it under certain conditions.	338
Dupleix sends for Parádi to Fulcherí. He quits Madras, and while in his voyage meets with obstructions from the Soldiers of Mahfuz Khán. His arrival at Fulcherí.	340
Assembling of the French Army in the Fort of Ariankupan to conquer Fort Saint David.	343
The French army crosses the river Panár and takes possession of the garden of the Chief of Fort Saint David.	346
Approach of Anvaraddín's army near the garden, and the flight of the French army. The Arcot army pursues the French, and joins with the army of Saint David.	347
Dupleix requests reconciliation with Anvaraddín and despatches his army towards Kadalur.	350
Anvaraddín, and Mahfuz Khán decline reconciliation and Dupleix sends an army to attack them.	352
Arrival of French Men-of-war in the harbour of Fulcherí and of their sending a threatening message to Anvaraddín Khán on account of which he dissolves alliance with the English.	353
Dupleix sends the French Men-of-war towards Goa, and despatches an army to conquer Fort Saint David. An attack takes place between the French and the English. The former retakes the garden, but quits it on the report of the arrival of the English fleet.	355
Arrival of English forces at Fort St. David from Bombay, Telicherí and England, and of their burning a French Vessel.	358
Appointment of Major Lawrence in England as Commander in Chief of all the Forces in India, and his arrival at Saint David. Discovery of the treachery of the English army and the infliction of punishment on each person agreeably to his crime.	359

The Factor of Calcutta confirmed in his appointment by order of the Company. The death of Aurangzeb. His heirs dispute about Succession. (1707.) . . .	282
Jáffar Khán by the departure of Farukhsír from Calcutta, begins to oppress the Subjects, and Mr. Hajaz, the Factor, of Calcutta. The latter requests the members of the Company's Factory permission to despatch the Ambassador of Farukhsír. (1713.) . . .	285
Despatch of an Ambassador to Dehli. Sirhád, an Armenian accompanies him. (1715.)	287
Enmity of Hussán Alí Khán, the Prime Minister, against Asam Khan Durán and the Ambassador. The King taken ill and cured by an English Doctor. . .	289
Substance of the Agreement in nine Articles proposed by Messrs. John Sheaman and Stephenson. . . .	292
The Agreement forwarded by Doctor Hamilton to the King. (1716.)	297
The Commerce of the Factory of Surat suspended through the oppression of the Hakím, and the accomplishment of the desire of the Ambassador in Delhi. (1717.) . .	299
A Factory erected at Chinapatan, alias Madras, through the encouragement of Sir William. (1645.)	301
War breaks out between the English and the French. Arrival of the French Squadron, to drive the English from India, and their conquering Madras. (1746.)	301
The death of Mr. Duncan, Governor of Bombay. (1811.)	307
In consequence of the demise of the Governor, the compiler contemplates concluding his undertaking.	308 313
The Factor of Madras asks peace from the French Chief, and agrees to pay a certain Sum of Money demanded by him on condition of his not destroying the Fort.	317
The Nawab Anwaruddín Khán of Arcot and Chinapatan sends a message to Dupliex the Chief of Pondicherry, desiring him not to attack the English, &c. &c.	319
Dupliex orders Bourdonnais to destroy Madras, who refuses to do so. For the good fortune of the English, the French Ships are wrecked and dispersed by a storm.	321
Bourdonnais proceeds towards Pondicherry, and Anwaruddín demands Madras back from Dupliex, who delays in making it over. Anwaruddín sends an army to retake Madras under the command of Mahfuz Khán	323
The French request peace with Mahfuz Khán, which is refused. The Envoy imprisoned.	325
Approach of Mahfuz Khán to Madras with his army. . .	327

Arrival of Troops by water at the Port of Húglí. Job Channock collects his forces at Húglí, and defeats the Bengal forces. (1686.)	248
Conference of the Nawáb of Húglí with Job Channock, who removes all the Merchandize in the Factory of Húglí to the Port of Húglí. Jáfar Khán sends an army a second time against Job Channock.	251
Job Channock proceeds from the Harbour of Huglí, to Húglí and the Bengal army pursues him (1687.)	253
King Aurangzeb becomes acquainted with the war between the Governor of Bengal and the English, and sends an order in favour of the latter. The Governor calls Job Channock from Húglí to Húglí to delegate to him a trust of importance.	255
Departure of Job Channock to Aulíbar and from thence to Sutánatí. Jáffer Khán plunders the Company's property, and Job Channock returns from Sutánatí towards Balasur.	258
Captain Hays of Madras, appointed Agent or Factor of Bengal, and his arrival at Balasur. (1688.)	261
Return of the Messenger of Job Channock to the Governor of Balasur with a fresh covenant and terms, some of which were accepted by Captain Hays, while the business lay unsettled. (1689.)	263
Jáffer Khán writes a letter to the Factor of Madras recalling Captain Hays, and he sends Job Channock in his stead. (1690.)	265
Collection of Workmen and Artisans at Sutánatí, and Job Channock endeavours to get the administration of Sutánatí. The English request permission to build a Fort at Calcutta, and are refused.	267
The Rájá of Bardwan becomes a rebel to the Governor of Bengal. (1696.)	270
The three Factors crave assistance from the Governor of Bengal for the security of their property, on account of some disturbances, which is refused, and they find opportunities of erecting the Fort.	273
King Aurangzeb acquainted with the mutiny in Bengal, dispatches his grandson Azímashám Valad Muhammad Mázan for the purpose of taking possession of the three provinces, Bang, Bahár and Udissa.	275
Job Channock prefers a wish of undertaking the administration of Calcutta and Govindpur, from Prince Azínashám, which is granted.	277
Calcutta cultivated, enlarged, and in a flourishing state through the good management of Job Channock. The Nawáb of Húglí envies him, which is represented to Azínashám.	280

Sir Thomas Roe's third visit to King Jahàngir for a final answer regarding his affairs, which are favorably settled between them.	199
The contents of the Articles relating to commerce explained in Sir Thomas Roe's letter.	203
Jeronimo returns from Bassin to Goa, and sends a fleet to attack Sir Thomas Roe's vessels at Sumálí, but they are dispersed by a storm. (1615.)	207
Mr. Keeling proceeds towards Malabar, and arrives in Cálícat. The Rájà of that country requests aid from him to attack the Portuguese, which is granted (1616)	210
The Portuguese Ambassador visits King Jahàngir, and intrigues with Prince Jahàn to prevent the King from attending to Sir Thomas Roe's suggestions.	214
Sir Thomas Roe's conference with the Prince Asúf Jah on the King's birth day.	217
Sir Thomas Roe meets the King's Secretary Shukar-Allah who informs him of the favorable arrangement made by the King on his behalf.	220
Four English vessels from England for Surat meet a Portuguese Man-of-War on their way and an engagement takes place, and the event of the battle.	221
An English Captain attacks a Portuguese commander, who is wounded and killed in the action.	225
Sir Thomas Roe informed of the arrival of the four Ships at Surat, and intimates the same to King Jahàngir.	229
King Jahàngir permits Sir Thomas Roe to erect a Factory at Surat.	231
Death of James, King of England, and the accession of Charles the I. as also of the demise of King Jahàngir, and the accession of Sháh Jahán. A Factory built in Calcutta by the English. (1625.)	232
The Portuguese prepare to take Húgli, and build a Factory there. (1615.)	236
The King Sháh Jahán informed of the intention of the Portuguese to take Húgli, drives them from the place. (1636.)	238
The Portuguese transfer the Island of Bombay to King Charles the Second, who grants it to the Company. (1662.)	241
The English extend their trade to Húgli, &c. (1685.)	241
Receipt of two letters in England by the Company's Directors, and their sending Men of War to India.	244
The Directors of the Company send a letter to Job Channock, informing him of the dispatch of Troops.	246

Makarrab Khán becomes acquainted with the treaty entered into with the English, through which the latter acquire superiority, and of their forwarding presents to Agra. Arrival of the Portuguese in Surat and Goga.	157
Return of the Portuguese from Goga towards Sumáli, and of the aid they received from Goa to attempt an attack in the night, and to set fire to the English vessels. (1615.)	160
Doveton fears to attack the Portuguese on account of the superiority of their fleet, and remains at anchor in the Sumáli harbour. Makarrab Khán requests a reconciliation with the Governor of Goa, who declines compliance.	163
Description of the harbour, and entrance of Sumáli, and the port of Surat.	165
The Portuguese Chief sends three Ships to attack General Doveton, is defeated, and the three Ships are burnt.	167
Jeronimo, the Chief of the Portuguese, asks peace with Makarrab Khán. The Khán refuses. Arrival of aid to Jeronimo from Goa, and his project of burning the English vessels fails.	170
Jeronimo sends an army a second time against the English but returns disappointed, and requests peace with Makarrab Khán, who refuses.	175
Jeronimo driven out of the Sumáli harbour. Doveton determines to return to England, and Makarrab Khán visits him with his attendants.	177
Departure of Doveton for England. He meets with Jeronimo's fleet, but passes without attempting a battle. His death near the Island of Bantám.	180
Mr. Edward proceeds to Agra with some presents from Surat for the King &c. (1614.)	182
Mr. Aldroos proceeds from Gujarát to Surat, and his adventures on the road. (1615.)	186
The Portuguese reconciled with King Jahángir, who executes a treaty with them.	188
Sir Thomas Roe quits England on an embassy to King Jahángir, and his arrival at Surat.	190
Sir Thomas Roe lands in Surat, where he is very coolly received by Jul-fakír Khán. King Jahángir sends for him, and he proceeds to Ajmir.	192
Sir Thomas Roe's interview with King Jahángir and Prince Sháh Jahán. His complaint to the latter on the conduct of Jul-fakír Khán. (1616.)	195
Sir Thomas Roe's second visit to King Jahángir. The Nobles of the Court on the suggestion of Jeronimo misrepresent Roe's affairs to the King.	196

Captain Best proceeds to the port of Muzafarábád or Dieu. The Portuguese pursue him, but are defeated. Captain Best returns to Surat.	118
Mr. Canning quits Surat for Agra the Capital, with a letter and presents, and dies there. (1613.)	122
The Portuguese through enmity intercept British-Ships in the Indian Seas.	124
Adventures of Mr. Washington and Mr. Aldroos on their proceeding towards Ahmadábád in Gujarát to acquire some knowledge of the manners and customs of that place. Mr. Washington proceeds forward towards Sindh.	125
Mr. Washington's separation from the Caravan and his arrival in Surá. The Governor of that place entertains him.	128
Mr. Washington is made prisoner on the road through the intrigues of Bhim, a guide.	130
Release of Mr. Washington from prison. He proceeds towards Gujarát. The events which happened on the road. (1614.)	133
Messrs. Washington and Aldroos receive information of the arrival of an English vessel in Mákaràn having on board Sir Robert Shirly and Sir Thomas Powell, and of their having landed at Gawádal.	134
Sir Robert Shirly informed by his men of the treachery of the Governor of Gawádal, and his escape from that place.	138
Sir Robert Shirly and Sir Thomas Powell arrive at wal, and enter into a treaty with the Chief of that place.	141
Sir Robert Shirly quits Sindh for Agra and from thence proceeds to Isphahàn.	144
The Portuguese oppose all Merchant Vessels. Makarrab Khán sent from Gujarát to attack them.	146
Mr. Washington calls Mr. Carey to Agra.	148
General Nicolas Doveton arrives in Surat and Makarrab Khán requests his aid against the Portuguese.	149
General Nicolas Doveton's answer to Nazarbég, who goes to Makarrab Khán with the General's answer, and his return to the General.	150
Makarrab Khán prevents the correspondence of the Inhabitants of Surat with the English in their dealings.	152
Return of Messrs. Kurj and Washington from Agra to Surat and the ill-treatment of Mr. Aldroos by Makarrab Khán. General Nicolas Doveton informed of the preparation of the Portuguese against the English.	154

Arrival of Sir Henry Middleton from England at Mocha with four vessels, and the adventures that befel him.	78
Sir Henry Middleton lands in Mocha to visit the Páshá and is imprisoned by the Páshá.	81
The Páshá sends a force to seize Middleton's vessels, but he is defeated.	82
The Pashá sends a message to Sir Henry Middleton, regarding the surrender of the four vessels. Sir Henry Middleton's reply.	83
The English become acquainted with the captivity of Sir Henry Middleton, and proceed with the vessels to the shores of Abyssinia. Sir Henry Middleton secretly escapes from confinement, and joins his vessels.	85
The Sultan of Constantinople grants permission to the English to traffic in his dominions.	87
Sir Henry Middleton's departure from Mocha and his arrival in Surat. Mukarrab Khán writes a letter to King Jahángír on the subject. Captain Shirpy's interview with Sir Henry Middleton. (1611.)	88
Captain Hawkins permitted to quit Agra, and his arrival in Cambay. A dispute between Middleton and the Portuguese in the Surat Harbour.	90
A Carpenter named Bingham informs Middleton of the enmity of Makarrab Khan against the English. Captain Hawkins arrives in Cambay.	92
Middleton blockades the harbour of Surat, and sends a message to Makarrab Khán regarding Capt. Hawkins.	94
Middleton proceeds towards Mocha, and perceives Captain Lari's arrival at the place, (1612.)	97
Middleton sends intimation to Captain Lari's, of the unfaithfulness of the people of Mocha, and his having blockaded the port until the injury done to him by the Páshá of Mocha is made good.	99
Captain Best's arrival from England in Surat, and his engagement with the Portuguese.	103
Mír Jáfar Khán visits Captain Best, and requests him to abolish the order for the blockade of the port of Surat, and Captain Best's answer on the subject.	105
Arrival of Shaik Safi, (Subedár of Gujarát) at Surat, and his conference with Captain Best.	108
Narration of the treaty entered into by Shaik Safi and Captain Best.	110
Shaik Safi sends a letter to the Government of Agra about the treaty entered into with Captain Best, which is approved of by his Majesty.	115
Arrival of Captain Best in Surat, who attacks and defeats the Portuguese.	161

- Queen Elizabeth, daughter of King Henry the VIII, forms the design of enabling her own subjects to participate in the advantages derived by the Portuguese from the Trade with India and establishes a Company, (1600.) 53
- Queen Elizabeth grants a Charter to the Company. Its substance. 55
- The English proceed towards India, and arrive at the Port of Batavia, but are prohibited by the Portuguese from visiting the Ports of India. 57
- Queen Elizabeth becomes acquainted with the opposition of the Portuguese, and writes a letter to King Jalál-ud-dín Muhammad Akbar Padsháh, with the view of opening a Trade with India. 59
- Queen Elizabeth sends a letter to King Jalál-ud-dín Muhammad Akbar, the Protector of India, under charge of Malad Nahál. (1603.) 61
- The Chiefs of the Portuguese becoming acquainted with the same, disturb Malad Nahál's negociation with King Jalál-ud-dín Mahammad Akbar. His death, and the succession of Jahángír to the Throne. 63
- Jahángír Sháh writes an answer to Queen Elizabeth. Malad Nahál arrives in England with it in safety. Captain Hawkins quits England, and arrives in Surat. (1608) 65
- The Portuguese Authorities being acquainted with the arrival of Captain Hawkins at Surat, send a message to Mukarrab Khán, Governor of Surat, requesting the prohibition of Englishmen from entering Surat. The Governor's answer to the same. 67
- The difficulties experienced by Captain Hawkins, in consequence of the disturbances and the hateful feelings of the Portuguese. Mukarrab Khán's combination with the latter. Captain Hawkins proceeds to Agra by desire of Jahangír Sháh, leaving William Fiuch in his stead at Surat (1609.) 69
- Departure of Captain Shirpy from England for Mocha, and his arrival at that Port and at Surat, and the loss of his vessel by wreck. 71
- The relation about Captain Hawkins resumed. King Jahángír confers on him favor by giving him in marriage a maid out of his Haram. (1610.) 73
- Captain Hawkins complains to King Jahángír against Makarrab Khán. Jahángír recalls him to Agra, Makarrab Khán after seeing Jahángír returns to Surat, and Captain Hawkins loses the esteem of the King. 75
- Captain Hawkins' intention to proceed to England. He is prevented by his two brothers-in-law. 76

CONTENTS.

VOLUME I.

In praise of God and the Prophets.	2	5
In praise of King George the Third, describing his Splendour and Magnificence.		6
History of the Author of this Work.		9
The observations of the Compiler on the origin of this Composition.		12
Substance of a Petition presented to the Honorable Jonathan Duncan, late Governor of Bombay.		14
Introductory Verses, giving an account of the causes which led to this Composition.		21
On the origin of Mankind, and the part of the world which is called India, and its Inhabitants.		22
On the Invention of Gunpowder, Muskets and Cannon, (1320)		26
Account of the origin of the Christian Religion and of its propagation in India. (1547.)		30
King Alfred the Great, being informed of the existence of Christians in India, sends a learned Sage with pre- sents to the Country. (883.)		33
Arrival of the Sage in India, his visit to the Christians in Malabar and Carnatic, and his return to England.		35
On the spread of the power, and conquests of the Muhammadans in Arabia, Persia and India. (622.)		37
The Crusades against the Muhammadans.		40
The Christians conquer Jerusalem, but afterwards it. (1099.)		42
The Christians declare Peace with the Muhammadans, and the Temple of Jerusalem restored to the Christians.		45
The Portuguese form the design of discovering India, and proceed thither, and return, by the Cape of Good Hope.		47
Their second attempt for India, and their arrival at the Port of Calicut, in Malabar. (1494.)		49
Their acquisitions and power on the Coasts of India,		52